

نگاهداشت سنتهای ملی در برابر تحولات اجتماعی و اقتصادی

تحولاتی که از ده سال پیش، بر اثر انقلاب سفید نصیب ایران شده از روز آشکار تر و از خورشید روشن تر است. هر يك از ما تنها با يك نگاه سطحی و بدون آنکه حاجت بنحقیق و تدقیق طولانی داشته باشیم تغییراتی را که در این ده سال در تمام شئون اجتماعی و اقتصادی ما رخ داده است به آسانی درك می‌کنیم، تغییرات و تحولاتی که همگی در مسیر ترقی و تعالی کشور صورت گرفته و رفاه و آسایش عمومی را تسهیل کرده و همیزان درآمد سرانه افزوده است.

بزرگترین میدان این تحول و تغییر عظیم را می‌توان در اقتصاد صنعتی کشور و آثار و نتایج آن ملاحظه کرد که نتیجه طبیعی و قطعی آن از میان بردن رکود و يك آهنگی اجتناع و در آوردن آن از حالت ثابت و ساکن دیرین بیک حالت دگرگونی و تنوع پی‌گیر و مستمر است. ملتی که رشد صنعتی خود را شروع کرده باشد دیگر نمی‌تواند در یکجا بایستد. هر روز او مصروف دگرگون ساختن زندگانی در روزهای دیگر و هر گام او برای پیش گذاشتن گام سریع دیگر خواهد بود و بعبارت ساده تر هر اقدام صنعتی

و اقتصادی جدید که با اتکاء بمطالعات متخصصین عالم انجام گرفته باشد خواه و نا خواه مورت اقدامات تازه تری خواهد بود و هر یک از آن اقدامات تازه آثار تازه ای در زندگی فرد و جامعه به همراه خواهد داشت .

دهسال اول انقلاب سفید سالهائی است که هر ساعت و هر روز آن حساب خاص و جای معینی در تاریخ حیات ملی ما دارد . اقداماتی که در این ده سال ، پیاپی و بدون وقفه انجام گرفت ، مافوق پیش بینی و بالاتر از حوصله حسابگران اجتماعی و اقتصادی جهان بوده است . فقط در ده سالی که گذشت میزان تولید ناخالص داخلی سرانه از معادل ۱۹۷ دلار در سال بحدود ۵۱۳ دلار در سال رسیده است . در همین ده سال ارزش افزایش در بخشهای کشاورزی و ساختمان و صنایع و نفت بترتیب یک برابر و نیم - دو برابر و نیم - سه برابر - چهار برابر ، و در بهش آب و برق ده برابر شده است . در این مدت سرمایه گذاری ثابت در کشور پنج برابر و نیم و افزایش دریافتیهای ارزی از محل صادرات غیر نفتی پنج برابر شد و میزان مخارج عادی دولت به پنج برابر و هزینههای عمرانی به پانزده برابر بالغ گردید . این ارقام کلی که فقط برای نمونه از آمارهای موجود برداشته شده نمایشگر سرعت شکفت انگیز رشد و توسعه در کشور ماست و وقتی از این مرحله بگذریم و بهدفعهای مهم و شگرف برنامه پنجم توجه کنیم سرعت رشد را به مراتب بیش ازین می یابیم چنانکه فقط رشد متوسط صنعت ۱۵ درصد در سال و رشد بخش معادن ۲۳/۵ درصد در سال پیش بینی شده است و برای مثال تنها ارزش تولیدات معدنی در سال ۱۳۵۶ به ۲۳ میلیارد ریال بالغ خواهد گردید . در دنبال چنین توسعه و رشد سریعی که در صنعت و کشاورزی و کلیه امور مربوط بمسائل اقتصادی و اجتماعی و اداری و تعلیماتی ، حاصل خواهد گشت مسلماً دگرگونی شدید و بی سابقه ای در اندیشهها و افکار و علی الخصوص در نحوه زندگی ، پدیده خواهد آمد و فرهنگ ، چهره ای دیگر خواهد گرفت و جامعه و ملتی بوجود خواهد آمد که با آنچه پیش از اینها بود تفاوت خواهد داشت .

در چنین دوره‌هایی از تحولات عظیم اجتماعی است که موضوع نگاهبانی سنت‌ها و میراث‌های فرهنگی ملتها به پیش می‌آید زیرا پدید آمدن هر سنت و عادت و ادامه یافتن یا فراموش کردن آنها و نگاهبانی میراث‌ها یا رها کردن آنها نتیجه قطعی احوال و اوضاعی است که در دنبال انقلابات شدید و دگرگونیهایی عظیم رخ می‌دهد و چه انقلابی نیرومندتر از انقلاب سفید ایران است که بی‌آنکه قطره‌ای خون جاری کند جریانهای بزرگ و ممتدی از تحولات در کشور ما و در جامعه ایرانی پدید آورد؟

موضوعی که در اینجا خود بخود مطرح می‌شود این سؤال است که مقصود از سنت‌های ملی چیست و چرا باید آنها را نگاه داریم، کدامها را نگاه داریم و کدامها را رها کنیم تا در مطاوی زمان نابود و ناپدید گردند.

سنت‌های هر ملت تمام رسوم و آداب و عادات و مننویات است که بر روی هم مبانی زندگی اجتماعات بر آنها استوار است و صحت یا عدم صحت آنها سر نوشت ملتها را معلوم می‌کند، آنها را بجانب ترقی می‌کشاند و یا آنها را از پیشرفت باز می‌دارد. از مجموع این سنت‌هاست که فرهنگ، یک ملت بوجود می‌آید و مجموع این سنت‌هاست که یک ملت را از ملل دیگر جهان ممتاز و متمایز می‌سازد و بدو شخصیت خاص و شناسنامه مبین می‌بخشد. آنچه را که ما از نوزده سال تا نوزده سال دیگر به پیروی از افکار و اندیشه‌ها و اعمال و احوال و رفتار و کردار و گفتار نیاکان خود و ملت خود انجام می‌دهیم سنت ملی ما است و همانهاست که ما را بعنوان ایرانی از دیگر ملل مجاور ما متمایز می‌سازد. در شعر ما، در موسیقی ما، در افکار و فلسفه خاص حیات ما، در تصوف ما، در روش اخلاقی و اجتماعی ما، در آداب روزانه ما، و سرانجام در آنچه از ما سر می‌زند آثار سنت‌های استوار شده دیرین ملت ما آشکار است و ما نمیتوانیم و نباید بتوانیم که خود را از آنها دور داریم و هر گاه به چنین امتناعی از پیروی آنها دست یافتیم، آنوقت نه دیگر ایرانی هستیم و نه دیگر ادعای میراث - خواری فردوسی و سعدی و رازی و پورسینا و ابوریحان می‌توانیم کرد، زیرا زبان دیگری داریم و اندیشه ما بنحوی دیگر گردش می‌کند، خوی ما دیگر

است و کردار و رفتار و گفتار ما دیگر .

پس معلومست که اگر خواستیم ایران مترقی فردا با همه جلا و رونق صنعتی و علمی و فنی خود بمعنی واقعی ایران باقی بماند و سزاوار آن باشد که روان پاک فردوسیه و سعدیه و پورسیناها و بورسیناها در هوای نوشین و فضای دلنشین آن بشادی و شادمانی جولان کند ، باید آنچه را که نیاکان ما داشتند و در نگاهداری آنها کوشا بودند ، نگاه داریم ، روح ما ایرانی ، جسم ما ایرانی و زندگی ما ایرانی و قابل امتیاز از دیگر ملت‌های عالم باشد .

بیاد داشته باشید که این سرزمین مقدس در روزگار آن گذشته از هزار گونه پستی و بلندی گذشته و روزهای خوش و ناخوشی را پشت سر نهاده است . در این روزهای خوب و بد و نعمت و شدت هزار علت و سبب برای زدودن رنگه ایرانی از ایران و ایرانی وجود یافت ، ولی نیاکان ما از همه آن رنگه‌های پستی و سپیدروی بیرون آمدند زیرا هیچگاه رسالت خود را در برابر میهن خود و آنچه وسیله امتیاز میهن آنان بود فراموش نکردند . ببینید چگونه در این پستیها و بلندیهای تاریخ زبان ما و ادبیات وسیع ما و رنگه خاص ملی ما در اندیشه‌ها و افکار و هنرها و آثار مختلف صنعت و معماری نگاهداشته شد .

اینها را ببینید و درباره آنها ببینید و فراموش نکنید که اگر مجاهدات آن آزاده مردان در برابر همه این تحولات نبود ما امروز شاید به زبانی دیگر سخن می گفتیم و بگونه‌ای دیگر می اندیشیدیم و بجای نوروز و مهرگان خود جشنهای دیگری با نامهای دیگر می داشتیم و بعبارت دیگر مردمی دیگر و ملتی دیگر بودیم .

هر تحول . خواه در صورت مثبت خود یا در هیأت منفی خود میتواند خانه بزرانداز باشد یا می تواند بی تأثیر بگذرد . آنچه اهمیت دارد آنست که این دگرگونی برای کدام دسته از مردم جهان یعنی کدام ملت حاصل شده باشد و آن ملت در برابر آن چه راههایی برای حفظ میراثهای خویش و نگاهداشت رنگ ملی خود یافته و چگونه در آن راهها قدم گذاشته باشد .

از قاره آسیا بدور نرویم ، در آنسوی این قاره عظیم ملتی را در سرزمین

آفتاب طالع یبایم که با چه همت و غیرتی در راه صنعت و فن و دانش جدید پیشرفت و چگونه در برابر قویترین تحولات اجتماعی و اقتصادی و صنعتی که محصول کوششهای مداوم او بود عمل کرد. از جانبی مغزاندیشه وانگستان ابناء خود را در راه ایجاد مصنوعات بکار انداخت که امروز حتی صنعتی - ترین بازارهای جهان را پوشانیده است و از جانبی با چه سماجت و اصرار آنچه از آداب و عادات سنتها را که از نیاکان خود دریافته بود نگاه داشت، با دستی جهان مغرب را هر چه بیشتر بسوی خود کشید و بادستی دیگر رنگه شرقی خود را هر چه بیشتر حفظ کرد.

مقصود من ستایش از هیچ ملت یا عکس آن نیست، مقصود دادن مثال و نمونه‌ای است در اینکه تحولات اجتماعی و اقتصادی و نیز استفاده از جریانات فکری و علمی و فنی جهان هیچگاه دلیل رها کردن سرمایه‌های فرهنگی و سنتهای موروث نیست و اگر کسانی بخواهند خلاف این تصوری داشته باشند حتماً بخطا رفته و مسلماً خطا گفته و اندیشه‌ای بخطا داشته‌اند.

برگردیم به میان ملت خود و در دامان میهن خود، در اینجا نیز همان تحول عظیم فنی و صنعتی و در نتیجه همان تحول پی‌گیر اجتماعی در حال انجام یافتن است. دیری نخواهد گذشت که ایران کفۀ متعادل کشور آفتاب طالع در مغرب آسیا خواهد گشت، با این تفاوت که در این سرزمین سنن ملی و فرهنگ مشهور ایرانی از روزگاران قدیم و عمیق و جلالی بیشتر و در قسمت بزرگی از دنیای قدیم نفوذی ژرف تر داشت. بزرگترین و عمیقترین فرهنگها و تمدنهای مدیترانه در مقابل اندیشه مردم این سرزمین خاضع بود و در اقتباس از آن تردیدی نداشت ولی در زادگاه این فرهنگ دل انگیز و تمدن عمیق در فواصلی از تاریخ حوادث رخ داد، وقایعی عظیم در آن حادث گشت، کشتارها و ایلغارهای سهمگین در آن جریان یافت و چرخهای خرد کننده انحطاط گلوی اندیشه‌ها و افکار را در زیر خود فشرد و از پیشرفت شکفت انگیز دانشها در این مرز پیش‌گیری کرد تا آنکه دور باروپای غربی رسید و بر اثر آمادگی عوامل دنباله کار در علوم اثباتی و تجربی گرفته شد و وضعی از

ترقی افکار و پیشرفت دانشها و صنایع و فنون ایجاد کرد که همه با آن آشنايند .

اروپای استعمارجوی قرن هیجدهم و نوزدهم چنگال حرص اندود خود را بجانب فلات ایران نیز گشود ولی با نخستین ضربات آن ایران خواب آلود بر پای جست و بفکر چاره افتاد و آن قدر در این چاره جوئی کوشید تا کار را به انقلاب مشروطیت در آغاز قرن بیستم کشانید و بعد از آن با فاصله یی نسبتاً کوتاه ملت ایران با هم آوائی شاهنشاه خود آخرین چاره کار را در يك انقلاب بسیار عمیق و عظیم درجهت های متفاوت و جوانب گوناگون اجتماعی و آموزشی و فرهنگی و اقتصاد ارضی و اقتصاد صنعتی دانست و این همان انقلاب سفید شاه و مردم است که اینک ملت ایران پایان نخستین دهه آن را جشن می گیرد و ما در مدتی بدین کوتاهی آثار بارز آنرا بیچشم می بینیم .

در گپرودار این حوادث تمدن صنعتی و فنی قرب با رنگه و بویهای دلفریب خود مشرق زمین و از آن جمله کشور ما را میدان جولان خود قرار داد و ای پسا اذهان ساده که در برابر آن خاضع گشت و چنین پنداشت که خواب آلودگی ایران در قرون اخیر منبعت از نقائص فرهنگی ما بود و هیچیک از آنها بچستجوی علل و بواعث امر بر نخاست تا دریابد که آن گرفتاریها نتایج جبری و اضطراری حوادث تاریخی بودند نه محصول فرهنگه و تمدنی که از دوران هرودوت تا عهد آندرآس و مادکوارت همه جهان يك دل و يك زبان عظمت و عمق و زیبایی و شکوه آن را ستوده اند .

انقلاب سفید شاه و مردم باحیای این فرهنگه عمیق و عریق ملی توجهی را که در خور آن بود کرده و بفرب زدگانی که نا اندیشیده در پیروی از غریبان افکارو اندیشهها و سنتهای ملی و خدمات نیاکان خود را به جهان آمحیت فراموش کرده بودند هشدار داده است تا سبب وزارت فرهنگه و هنر و ایجاد شورای عالی فرهنگه و هنر واحداث بنیادهای فرهنگی مختلف و توجه خاص به بزرگداشت رجال فرهنگی ایسران و احیای میراثهای

فرهنگی و ابنیه و آثار ملی و تدوین سیاست فرهنگی ایران و سرمایه گذاری فرهنگی در ردیف سرمایه گذاری‌های دیگر مملکت و بسیاری از اقدامات که در جریان است همگی محصول همین توجه و همین نهضت خاص انقلابی است و اکنون بر عهده روشن بینان این مرز و بوم است که در پیروی از نیات بانی این انقلاب بزرگ همگام و همراه با ترقیات روزافزون صنعتی و تحولات بزرگ اجتماعی که پیش از این بدانها اشاره کردیم در این راه قدمه‌های استوار بردارند. ما باید در همه شئون اجتماعی و اقتصادی و علوم و ادبیات دوشادوش جهان پیش برویم و اگر در رشته‌هایی باز پس مانده‌ایم بجهبران ماقات همت گماریم، از آن‌جمله تمام رشته‌های هنری بهمان میزان که جهان پیش‌رفته بدان متوجه است توجه کنیم. شورای عالی فرهنگ، و سیاست فرهنگی ما که هر دو محصول انقلاب ماست بدین امر هم در کنار فرهنگ سنتی توجه کرده‌است. در سیاست فرهنگی ما باین نکته توجه شده است که تحولات شکر ف اقتصادی و اجتماعی که نتیجه انقلاب است هدفها و ارزشهای جدیدی را در زندگی ملی پدید خواهد آورد و به پیروی از این ارزشها و هدفهای نوین نظام فرهنگی ما نیز به هدفها و آرمانهای تازه‌ای تمایل خواهد یافت.

بر اثر انقلاب نیروهای انسانی عظیم کشور ما که پیش از این قسمت بزرگی از آن را کد و محبوس و بی ثمر مانده بود، آزاد شده و بکار افتاده و از جانی دیگر درآمد سرانه بنحو بسیار محسوس که پیش از این گفته‌ایم افزایش بسیار حاصل کرده است و این دو اصل بزرگ اجتماعی خود بخود مورت احتیاجات فرهنگی خاص جدید گردیده و در آینده بر میزان آنها به نحو قابل ملاحظه‌ای افزوده خواهد شد.

در چنین محاسبه‌یی از نتایج انقلاب سفید است که لزوم يك فعالیت بسیار را در زمینه تدوین برنامه‌های فرهنگی و حتی سرمایه گذاری فرهنگی احساس می‌کنیم. در اینگونه مواقع است که باید به نیازمندی هر فرد برای استفاده از ساعات استراحت و یا استفاده از درآمد بیشتر خود برای ذوقیات او اندیشید، خاصه که ما از طرفی بنا بر توضیحی که پیش از این دادیم در مقابل نفوذ علاج ناپذیر تمدن غرب قرار داریم و از طرفی دیگر رواج تمدن صنعتی که در نتیجه حتی توجه باقتصاد صنعتی است، حکمرانی ماشینها و ابزار و ادوات فنی و تکنیکی را بر مغزها و حتی بر سرانگشتان هنر پرور ایرانیان بصورت يك نتیجه جبری جلوه گر می‌سازد.

پس باید پذیرفت که جامعه ایرانی ، که نگاهبانی فرهنگ ملی از سنتهای دیرین آنست بتدا پیری در راه تمیین هدفهای فرهنگی آینده خود بر اساس سنتهای ملی احتیاج دارد . بمبارت دیگر باید در اندیشه ایجاد يك نظام فرهنگی جدید بود که بر مبانی فرهنگ ملی استوار باشد و در همان حال برای آیندگان ما که در يك جامعه صنعتی زندگی خواهند کرد سودمند و قابل استفاده و ادامه گردد نه آنکه کار را سهل انگاری بر گذار کنیم تا تمدن و فرهنگ غربی و زندگانی ماشینی مردم را بسوی يك فرهنگ آمیخته ایرانی و غربی و ماشینی هدایت کند و هنگامی که کار از کار گذشت دست بردست تأسف و تحسرت نهمیم و در جبران مافات حیرت زده این سوی و آن سوی بدویم .

اما زنده نگه داشتن سنن و آداب و عادات و افکاری که در شرایط خاصی از اعصار گذشته بوجود آمده اند جز از راه انطباق آنها بر شرایط زندگانی کنونی و آتی امکان پذیر نیست . در اینجاست که موضوع بررسی مواردیست فرهنگی و دست چین کردن آنها و تحقیق در چگونگی انطباق هر يك از آنها بر شرایط امروزین و یا شرایط آینده حیات اجتماعی به پیش می آید و حاجت به طراحان و برنامه سازان و محققان اجتماعی و بالتلیجه احتیاج به طرحها و برنامه های جدید احساس میشود و این مسائل همگی منجر به سرمایه گذاری فرهنگی می گردند ، یعنی يك سلسله مسائل کاملاً معنوی بصورت مسائل کاملاً محسوس و ملموس در می آیند .

مقصود غائی از این همه کوششها فقط آنست که ملت ایران مقام بلند فرهنگی خود را ، چنانکه در اعصار مهم تاریخ عالم داشته است ، حفظ کند و آن فرهنگ بلند پایه و سنن گرامی را که نیاکان بزرگوار و سربلند او پدید آورده اند بخوبی بشناسد و بشناساند و همگام با حفظ آن مواردیست پراج از فرهنگهای ملل بزرگ جهان بخوبی آگاهی یابد و از آنها ، آنچه را که خوب و قابل انطباق بر معنویات ماست برگزیند و رنگ ایرانی و جلوه ایرانی بدانها بدهد تا بیاری یزدان پاک و در سایه شاهنشاه بزرگ ما در سیر یکمال روحانی و بمقام بلند معنوی که از اختصاصات فرهنگ و تمدن ایرانیست موفق و مؤید باشد .